

محمد مولوی تشریح کرد: تمایز علامه و آیت‌الله در تفسیر قرآن به قرآن

عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) در بیان تفاوت مبنای تفسیری آیت‌الله صادقی تهرانی و علامه طباطبایی، اظهار کرد: مولف «الفرقان» معتقد است که قرآن به طور کامل توسط خود قرآن تفسیر شده است و بر این اساس ما مفسر قرآن نیستیم بلکه مستفسر هستیم.

عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) در بیان تفاوت مبنای تفسیری آیت‌الله صادقی تهرانی و علامه طباطبایی، اظهار کرد: مولف «الفرقان» معتقد است که قرآن به طور کامل توسط خود قرآن تفسیر شده است و بر این اساس ما مفسر قرآن نیستیم بلکه مستفسر هستیم.

تفسیر «الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة» نوشته آیت‌الله محمد صادقی‌تهرانی، در سی جلد تدوین شده است و به صورت ترتیبی به تفسیر کل قرآن پرداخته است. روش این مفسر قرآن به قرآن است.

دکتر محمد مولوی، عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)، در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، در خصوص تفسیر الفرقان، گفت: یکی از تفاسیر معاصر که در ایران نگاشته شده است، تفسیر «الفرقان» است. تفسیر الفرقان آیت‌الله صادقی یکی از تفاسیر معاصر پس از انقلاب است که در سال ۱۳۶۵ به اتمام رسیده است. نویسنده از شاگردان بزرگ آیت‌الله علامه طباطبایی است. ایشان در ۱۳۰۵ به دنیا می‌آیند و اساتید زیادی در حوزه داشته‌اند که از جمله دیگر اساتید ایشان می‌توان به آیت‌الله شاه‌آبادی اشاره کرد.

تمایز مفسر و مستفسر در تفسیر قرآن به قرآن/ رویکرد افراطی «الفرقان»
مفسری که شاه حکم اعدامش را داد

مولوی ادامه داد: ایشان چون پدر بزرگوارشان فعالیت سیاسی و اجتماعی در زندگی خود داشته‌اند و در سال ۱۳۴۲ سخنرانی قرائی در حوزه علمیه می‌کنند که به این خاطر محکوم به اعدام می‌شوند و به دستور امام خمینی(ره) از ایران خارج شده و به عربستان می‌روند و سپس به لبنان و عراق سفر کرده و پس از انقلاب به ایران باز می‌گردند.

وی افزود: ایشان با توجه به دوران شاگردی‌شان نزد علامه و توصیه‌های آیت‌الله شاه‌آبادی و دیگران، محور تمام مطالعات خود در همه حوزه‌ها، چه در فقه، عقاید و چه در کلام را قرآن قرار می‌دهد و از این‌رو قرآن به محور تمام فعالیت‌های علمی ایشان بدل شده و از این‌رو ایشان در بسیاری از دیدگاه‌هایش با بسیاری از مفسرین تفاوت دارد.

شناسایی ۵۰۰ فتوای فقیهان در مخالفت با قرآن

مولوی ادامه داد: ایشان در حوزه مباحث فقهی بیش از ۵۰۰ فتوای فقهی را از دیگر فقها شناسایی کرده که به ادعای ایشان مبنای این فتاوا غیر از قرآن است که باید آن‌ها را محصول روایات ضعیف یا برخاسته از فتوایی غیر قرآنی و از سنت غیر حقیقی دانست و یا برگرفته از فتاوی اهل سنت دانست.

وی افزود: ایشان با ۵۰۰ فتوای فقهی که در کتب مشهور و معروف فقهی است، مخالفت می‌کند و دلیلش را در این کار قرآن قرار می‌دهد. همچنین ایشان با بسیاری از مباحث اصول مخالفت جدی دارد و می‌گوید این‌ها مبنای قرآنی ندارند. در فلسفه با بسیاری از مباحث مخالف هستند، زیرا معتقدند قسمت اعظمی از فلسفه‌ای که وجود دارد، یونانی و التقاطی است و باید فلسفه را صرفاً اسلامی کنیم. در مباحث عرفان نظری و مباحثی مانند علم صرف، نحو و بلاغت نیز ایشان معتقدند این مباحث باید بر مبنای قرآن باشد و ما نباید قرآن را به علم صرف و نحو عرضه کنیم بلکه باید این علوم را به قرآن عرضه کنیم.

عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) ادامه داد: به طور کلی ویژگی اصلی این تفسیر استفاده از روش قرآن به قرآن است و نام این تفسیر را «الفرقان فی تفسیر قرآن بالقرآن» نهاده منتهی قید «و سنت المطهره» را هم دارد که مقصودش این جا سنت قطعی است که می‌دانیم به پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) مربوط است و نه سنتی که در روایات آمده است.

مولوی در پاسخ به این پرسش که رویکرد مفسر نسبت به تفسیر موضوعی چیست؟ گفت: این تفسیر مربوط به کل قرآن است و در سی جلد تنظیم شده است، البته ایشان تفسیر دیگری دارد که تفسیر موضوعی و در بیست و دو جلد تنظیم شده و هر جلدی به موضوعی اختصاص دارد که آن هم به عربی است.

وی در خصوص تفاوت روش کار آیت‌الله صادقی با علامه طباطبائی گفت: مبنای آیت‌الله صادقی قرآن به قرآن است، اما تفاوتی که با تفسیر علامه دارد این است که تفسیر آقای صادقی، اهتمام بیشتری به آیات قرآن دارد و می‌گوید ما مفسر قرآن نیستیم بلکه ما مستفسر قرآن هستیم و معتقدیم که خود قرآن به طور کامل توسط خود قرآن تفسیر شده است و در قرآن آیاتی دیگر آیات را تفسیر کرده است. پس وظیفه ما استفسار این آیات است و این یعنی ما طلب تفسیر می‌کنیم و چون قرآن آیات خود را تفسیر کرده است، ما به کشف این روابط می‌پردازیم.

تمایز میان سنت و روایت

مولوی با بیان اینکه میزان بهره‌گیری از روایات در تفسیر الفرقان به مراتب کمتر از تفسیر المیزان است، گفت: نگاه نقادانه به روایات در الفرقان از المیزان بیشتر و شدیدتر است و آقای صادقی بین روایت و سنت فرق می‌گذارد. معتقد است روایت و حدیث غیر از سنت است.

وی ادامه داد: روایت حکایت‌گر سنت است و می‌تواند ضعیف هم باشد، اما اگر چیزی اثبات شد سنت است و قطعاً برای ما

حجت خواهد بود. از این رو مفسر الفرقان حساب سنت را از روایت جدا می‌کند و می‌گوید سنت همان قول و فعل معصوم است و مانند قرآن حجت است و می‌تواند مفسر قرآن باشد، اما روایات حکایت‌گر سنت است و از آنجا که در معرض آفات فراوانی مانند نقل به معنا و ضعف سند است، حجت نیست و بنابراین حجیت روایات، باید از راه عرضه قرآن به دست آید. عرضه روایات متواتر به قرآن

عضو هیئت علمی دانشگاه امام خمینی(ره) افزود: از سوی دیگر میزان خیلی به نقادی روایات متواتر نمی‌پردازد، اما آقای صادقی معتقد است، این روایات هم باید به قرآن عرضه شود و چه بسیار است روایات متواتری که با قرآن مخالفت دارد و به همین دلیل آنها را نمی‌پذیرد و معتقد است طبق قاعده «فاعرضوا علی القرآن» باید روایات را به قرآن عرضه کرد که اگر موافق بود بپذیریم و اگر نبود رد کنیم.

مولوی در پاسخ به این پرسش که مراد از محور قرار دادن قرآن در مباحث کلامی و فقهی چیست؟ گفت: ایشان قرآن را محور قرار داده و کتابی در حوزه اصول فقه دارند که معتقدند کتاب‌شان بر مبنای خود قرآن است و نه خارج و فرای قرآن. معتقد است تفسیر قرآن چهار مرتبه دارد، عبارات، اشارات، لطائف و حقائق و وظیفه مفسر در درجه اول فهم عبارات قرآن است و می‌گوید همین فهم عبارات محور و اساس برای عرضه روایات بر قرآن است و اگر کسی عبارات قرآن را صحیح بفهمد، برای عرضه روایت به قرآن کفایت خواهد کرد.

توجه به اطلاق واژه‌های قرآن وی افزود: ایشان در تفسیر قرآن یک روش خاصی دارد و معتقد است که باید به اطلاق لفظ توجه کرد، برای مثال وقتی در قرآن می‌آید که «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ...» در حقیقت نخستین خانه‌ای که برای [عبادت] مردم نهاده شده... (آل عمران، ۹۶) می‌گوید این اول بودن در همه چیز است، در مکان، زمان، رتبه، جایگاه، ویژگی، برتری و همه چیز و وقتی خداوند اول گفته است مرادش چیز خاصی نیست و همه را در بر می‌گیرد.

مولوی تصریح کرد: قرآن در جایی که می‌فرماید «...عَلِمَ اللَّهُ...» (انفال، ۲۳) و آقای صادقی معتقد است اینجا این عبارت به معنای علم و آگاهی نیست و علم به معنای نشانه است. آیت‌الله صادقی در معنای واژگان تلاش می‌کند معنایی مطلق و شمولی در نظر بگیرد. نمونه دیگر جایی است که در قرآن می‌خوانیم «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ* عَنِ النَّبِیِّ الْعَظِیمِ: درباره چه چیز از یکدیگر می‌پرسند* از آن خبر بزرگ» (نبأ، ۲-۱) که در اینجا خیلی از مفسران گفته‌اند منظور از «النَّبِیِّ الْعَظِیمِ» قیامت است یا اهل بیت است و برخی معتقدند که مراد اختلاف بی قبائل است، اما آقای صادقی می‌گوید مراد از این عبارت، خبری بزرگ است و تمام تفاسیر دیگر نمونه و مصداق‌اند و هیچ کدام تفسیر این عبارت نیست، چون «نبأ» در لغت به معنی خبر بزرگ است و این شامل هر خبر بزرگی می‌شود. بنابراین اختصاص آن به یک «نبأ» خاص قابل قبول نیست.

عدم تقید به بررسی سندی روایات عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) ادامه داد: نکته دیگر که بسیار حائز اهمیت است، این است که ایشان طبق معیاری که می‌گوید فقط قرآن محور است و روایاتی که هماهنگ با قرآن است باید پذیرفته شود، خودش را مقید به بررسی سندی نمی‌کند و شما به ندرت بررسی سندی روایات را در این تفسیر می‌بینید و بیشتر نقد محتوای روایات دیده می‌شود به همین خاطر تعداد منابعی استفاده می‌کند، خیلی زیادی است، اما نه برای نقل، بلکه برای اینکه روایات مخالف قرآن را بیاورد و نقد کند.

وی افزود: آقای صادقی روایاتی که غالباً مفسران به آن استناد کرده‌اند، با زیرکی از منابع اصلی نقل می‌کند و به بررسی آن‌ها می‌پردازد و مشخص می‌کند که این‌ها مطابق قرآن است و یا نه و ابائی ندارد که این روایات از منابع اهل سنت یا منابع شیعی باشد، مهم آن است که این روایت مورد استناد مفسران قرار گرفته است و حالا ایشان آن را آورده و نقد می‌کند. مولوی با بیان اینکه موردی از این قبیل نقد روایات توسط آیت‌الله صادقی را باید ذیل آیه مباهله (آل عمران، ۶۱) جست، گفت: روایات زیادی در خصوص آیات مباهله نقل شده است، از جمله روایتی که منظور از «وَأَنْقَسَتْ» را حضرت علی(ع) منظور از «وَيَسْأَلُنَا» را حضرت فاطمه(س) و منظور از «أُتِنَا» را امام حسن(ع) و امام حسین(ع) ذکر می‌کند. اهل سنت این‌ها را قبول ندارد. آقای صادقی در اینجا آمده است و روایاتی که در ذیل این آیه از اهل سنت و در مضمون همین حدیث آمده را نقل می‌کند و بیش از ۶۵ منبع را ذکر می‌کند و نتیجه‌گیری می‌کند، این روایت مطابق قرآن است و ده صفحه از آیات قرآن و روایات قطعه در این رابطه بیان می‌کند.

تفاوت آیت‌الله صادقی با «اهل القرآن» وی در پاسخ به پرسشی در خصوص تفاوت آیت‌الله صادقی با گرایش قرآن‌گرایی، گفت: جریان قرآن‌گرایی که از آن به «اهل القرآن» یا «قرآنیون» یا «قرآن‌گرایی» افراطی و نه اعتدالی یاد می‌شود، ریشه در تاریخ دارد و در صدر اسلام کسانی وجود داشتند که با شعار «حسبنا کتاب الله» فعالیت می‌کردند.

مولوی ادامه داد: این گرایش کم و بیش وجود داشت و در قرن‌های دوم و سوم کسانی بودند که این مسئله مطرح کردند اما این رویکرد غالب نبوده است. در قرن چهاردهم در هند با فعالیت‌های احمدخان هندی و در مصر بعد از هند، با محمد عبده، رشید رضا و محمد توفیق صدقی، این گرایش قوت بیشتری به خود گرفت تا توسط افرادی مانند صبحی منصور به اوج خود رسید و رویکرد اصلی این‌ها و زمینه ایجاد و اوج ایشان اصلاح‌گرایی بود و همچنین ایشان روایات را یکی از دلایل عقب‌ماندگی کشورهای مسلمانان می‌دانستند، این در حالی بود که در روایات اهل سنت و مخصوصاً همان اهل ظاهر و حدیث اختلافاتی وجود داشت که عاملی برای فرقه‌گرایی زیاد و ضعف مسلمانان و اختلافات داخلی می‌شد قلمداد شود اما این مسئله برای شیعه

صدق نمی‌کند.

عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) تصریح کرد: شیعه در حدود ۳۰۰ سال دست در دامن اهل بیت(ع) بود و بعد از آن روایات شیعه در کتاب اصول حدیث جمع‌آوری شده و بعد از آن در کتب اربعه گرد آمده و همواره دانشمندان شیعه با روحیه نقادی که داشتند به نقد و روایات پرداختند، از این رو در میان شیعه روایات ضعیف و جعلی کمتری نسبت به اهل سنت داریم.

وی ادامه داد: از این رو وقتی رویکرد بازگشت به قرآن در ایران مطرح می‌شود، این جریان با جریانی که در هند، پاکستان و مصر مطرح می‌شود، متفاوت است. بازگشت به قرآن در مصر و جهان اهل سنت ناشی از اختلاف فراوان در روایات است، اما بازگشت به قرآن در ایران به منظور اصلاحات بوده و رنگ و لعاب ضعیف‌تری دارد و علاوه بر این علما و دانشمندان شیعی هم به وفور از روایات استفاده می‌کردند و این در حالی بود که عده می‌گفت روایات را به کل کنار بگذاریم و یا احمدخان‌هندی روایات را عامل عقب‌ماندگی مسلمانان می‌دانست.

مولوی تصریح کرد: این در حالی است که آیت‌الله صادقی که به عنوان شخصی مشهور در این حوزه بود و یا علامه طباطبائی یا سیداسدالله خراقانی یا سنگلجی و مانند این‌ها، معتقدند روایت معتبر است، اما باید روحیه انتقادی را افزایش دهیم. بنا براین قرآن‌گرایی ایرانی روحیه انتقادی را تقویت می‌کند، در حالی که در قرآن‌گرایی در جهان اهل سنت، هدف زدودن تمام روایات است و چون معتقدند که قرآن پایه و اساس جامعه اسلامی است، قرآن را محور قرار می‌دهند، در حالی که روایات اهل بیت(ع) و آیات قرآن ما را ارجاع به تبعیت سنت رسول خدا دعوت می‌کنند ما باید برای فهم برخی از آیات به روایات رجوع کنیم و آیت‌الله صادقی نیز چنین رویکردی داشته و چنانکه پیشتر گفته شد به حجیت سنت اعتقاد داشت.

وی در پاسخ به این‌که آیا این تفسیر اهمیت دارد و باید به مطالعه الفرقان پرداخت؟ گفت: این تفسیر با رویکرد تفسیر قرآن به قرآن نوشته شده و این تفسیر در آغاز به علامه طباطبائی ارجاع شده است که پس از خواندن، علامه صاحب این تفسیر را تشویق می‌کنند که به این روش ادامه دهد و این روش مورد تایید است و امید است دیگران نیز این کار را بکنند.

رویکرد افراطی آیت‌الله صادقی در نقد علماء

وی در پاسخ به این پرسش که چه نقدهایی به این تفسیر وارد است، گفت: آیت‌الله صادقی در برخی از موارد افراط می‌کنند و در مواردی که تعدادش کم هم نیست به برخی از علماء بزرگ به شدت می‌تازد و دیدگاه ایشان را خلاف قرآن می‌داند، در حالی که منبع و مصدر این مطالب روایات متواتر است.

مولوی افزود: در حالی که ایشان با دیدگاهی خاص روایات مورد رجوع علماء را رد می‌کنند، عموم مفسران آن دیدگاه را نداشته‌اند. پس این اشکال برای ایشان وارد است که اگر چه با برداشت خاصی از قرآن، برخی موارد را قرآنی ندانسته‌اند، در این رویکرد یک‌جانبه رفتار کرده‌اند و سنت عملی مسلمانان را به خاطر عدم قطعیت نقد کرده‌اند، از جمله این موارد می‌توان به روزه ماه رمضان، نماز مسافر و برخی موارد اشاره کرد.

وی افزود: از سوی دیگر ایشان براداشت خاصی از برخی واژگان یا آیات داشتند، برای مثلاً در آیه «... وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى: و [این گونه] آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت» (طه، ۱۲۱) در حالی که مفسران این جا گناه حضرت آدم را به ترک اولی معنا کرده‌اند، آقای صادقی گفته‌اند به معنای گناه است و روایتی از امام رضا(ع) می‌آورد که ایشان در ذیل این آیه گفته‌اند به استناد آیه بعدی توبه ایشان را پذیرفته‌اند پس معلوم است که حضرت آدم(ع) عصیان کرده است و کسی دیگری در این زمینه چنین تفسیری نداشته است.

عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) تصریح کرد: مثال دیگر این قضیه آیه در آیه ۹۶ سوره آل‌عمران است که پیشتر اشاره شد. در آن آیت‌الله صادقی اول بودن بیت را که در آیه آمده است، مطلق اول گرفته است در حالی که دلیلی برای این کار ارائه نداده‌اند. این مسئله وجود دارد و بعضاً ایشان دلیلی برای مباحث خود نیاورده و یا با آوردن دلیلی اقماعی به جای علمی، به سرعت رد شده‌اند.

افراط در نقد روایات متواتر

مولوی در پایان گفت: اشکال سوم این است که ایشان در نقد روایات متواتر افراط کرده‌اند و در خیلی از جاها روایاتی که مورد قبول تمام فرق مسلمین است را با برداشت خاصی که از آیات قرآن داشته‌اند نقد کرده و کنار گذاشته‌اند و بهتر بود برداشت خود را در این زمینه تعدیل می‌کردند.